

### تاملاتی پیرامون تاریخ شورشیان...



- مازیار بهروز
- انتشارات اختران
- ۱۸۴ صفحه
- ۱۱ هزار تومان

کتاب تاملاتی پیرامون تاریخ شورشیان آرمان خواه در ایران تکمله‌ای بر کتاب «شورشیان آرمان خواه» است که نویسنده می‌کوشد با آوردن مصاحبه‌ها و مقالات گوناگون، مباحث خود در آن کتاب را سازمان‌دهی و تکمیل کند. بخش اول شامل مقالاتی مرتبط با حزب توده و جنبش چریکی در ایران و سوسیال دموکراسی در ایران و جهان است و بخش دوم بر پایه مصاحبه‌های نویسنده در مورد تاریخ چپ است.

### گفتمان چپ در ایران



- محمدعلی احمدی
- نشر ققنوس
- ۴۰۶ صفحه
- ۳۵ هزار تومان

شاید نخستین نمایندگان اندیشه چپ را باید در میان روشنفکران دوره مشروطه جست‌وجو کرد. اما هنوز نمی‌توان از شکل‌گیری گفتمان چپ در ایران این دوران سخن گفت. نخستین آشنایی‌های گسترده ایرانیان با اندیشه چپ با آغاز فعالیت‌های گروه‌های مارکسیستی و احزاب سوسیالیست همراه بود. کتاب تلاشی است تا تاریخ این تفکر را از آغاز شکل‌گیری آن در دوره قاجار تا عصر پهلوی اول مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

### نگاهی از درون به جنبش چپ ایران



- گفت‌وگو با محسن رضوانی
- حمید شوکت
- انتشارات اختران
- ۴۴۰ صفحه
- ۱۱۰ هزار تومان

شوکت در این مجموعه کتاب‌ها به گفت‌وگو با شخصیت‌های تاثیرگذار چپ در تاریخ ایران پرداخته است و می‌کوشد تاریخ چپ را از خلال حوادث پرفرازونشیب شخصیت‌های تاثیرگذار آن روایت کند. در این کتاب او سراغ «محسن رضوانی» از اعضای مؤسس حزب توده ایران و دبیر اول حزب رنجبران ایران رفته است. رضوانی از اعضای برجسته انشعاب در حزب توده بود و به همین دلیل تصویری که از چپ ایران به دست می‌دهد، می‌تواند خواننده را با مسائل مهمی آشنا کند.

# چپ ناکام

## مازیار بهروز در کتاب شورشیان آرمان خواه از دلایل شکست چپ در ایران می‌گوید

### ستاره حشمتیان گزارش‌گر

اصطلاح چپ معمولاً در ساحت اندیشه و کنشگری تاریخی ایرانیان از تعریف دقیقی برخوردار نیست و معمولاً به دو گروه با گرایش‌های مارکسیستی دلالت دارد. در تعریف موسع این اصطلاح از سوسیال دموکرات‌های انقلاب مشروطه تا اخیر را شامل می‌شود و البته احزاب مذهبی چپ مانند مجاهدین خلق را نیز شامل می‌شود. در مقابل تعریف مشخص و محدودتری نیز وجود دارد که برآمدن این جریان را به طور مشخص تری مورد ارزیابی قرار می‌دهد و این اصطلاح را به گروه‌های مارکسیست، لنینیست و کمونیستی اطلاق می‌کند که به واژگونی انقلابی نظم مستقر و جایگزینی یک حکومت سوسیالیستی آن‌گونه که در شوروی وجود داشت، معتقد بودند. کتاب مازیار بهروز به طور مشخص دسته دوم را نمایندگی و تاریخ آنان را بازخوانی می‌کند. البته نویسنده معتقد است که این امر به معنای برداشت محدود یا عدم درهم‌آمیزی این دو گروه نیست اما به نظر می‌رسد که او باور دارد نیروهای چپ با سرنگونی رضاشاه و در فضایی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ ایجاد شد، جنبش را از نو استوار کردند و تا سال ۱۳۶۲ که آخرین بقایای تشکیلات کمونیستی برچیده شد، در دورانی پیچیده و بی‌ثبات از تاریخ ایران نقش مهمی داشتند.

کتاب روایت سه نسل از مارکسیست‌های ایران است که نویسنده در جریان آن می‌کوشد با نگاهی نقادانه به سراغ عملکرد آنان برود و البته بیم ندارد که بسیاری را این رویکرد خوش نیاید چرا که معتقد است این کتابی برای قرن جدید و نسل آینده ایرانیان است. کتاب شامل چهار فصل می‌شود و نویسنده می‌کوشد در جریان آن به نیروهای مختلف چپ در بازه زمانی مورد اشاره بپردازد و در فصل پایانی توضیح می‌دهد چرا ناکامی رخ داد و عوامل این ناکامی چه بود.

### شکست و احیا

کتاب پس از بیان مقدمه‌ای درباره

آغاز فعالیت‌های سازمان‌یافته نیروهای کمونیست در ایران، فصل نخست را به مطالعه رویدادهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۹ اختصاص می‌دهد. در مرداد ۱۳۳۲ احزاب و سازمان‌های متمایل به مارکسیسم دو گروه فعال در داخل ایران و یک گروه فعال در تبعید را شامل می‌شد؛ دو گروه فعال داخلی شامل حزب توده ایران که در ۱۳۲۰ تاسیس شده بود و گروه مارکسیستی بسیار کوچک‌تری که در سال ۱۳۲۶ از حزب توده به نام «نیروی سوم» منشعب شده بود. گروه فعال در خارج نیز بازمانده‌های فرقه دموکرات آذربایجان بودند که حکومت بساط آن‌ها را در سال ۱۳۲۵ برچیده بود اما حضور نمادینی در باکو داشتند.

این مقطع از آن جهت اهمیت دارد که در فضای پس از کودتای ۲۸ مرداد بسیاری از نیروها مخالف حکومت سرکوب شدند. این در حالی بود که حزب توده به عنوان عمده‌ترین نماینده این جریان توانسته بود در میان سال‌های ۱۳۲۰ تا پیش از کودتا به بزرگ‌ترین و موثرترین نیروی سیاسی کشور تبدیل شود؛ تا آن‌جا که بسیاری نقش این جریان را در شکست مصدق و عدم همراهی با وی در جریان کودتا بسیار موثر ارزیابی می‌کنند. حال آنکه کودتا ضربه مهلکی برای نیروهای چپ نیز محسوب می‌شد. سران کودتا طی سال‌های بعدی به شدت فرآیند سرکوب و مقابله با نیروهای مخالف را پیش گرفتند و در سال ۱۳۳۶ با تشکیل ساواک این روند شدت گرفت.

طی سال‌های بعدی یعنی تا ۱۳۴۱ که شاه برنامه اصلاحاتش را عملی کرد، حکومت در فضای جنگ سرد هرچه بیشتر به آمریکا نزدیک و از شوروی فاصله می‌گرفت و این امر در کنار سرکوب نیروهای نزدیک به شوروی سبب تشدید روابط خصمانه میان دو کشور شد. تا سال ۱۳۳۷ آخرین مقاومت سازمان‌یافته حزب توده در داخل کشور درهم شکسته شد و حزب پایگاه اجتماعی، تشکیلات، سازمان نظامی و همچنین بسیاری از رهبران و هواداران خود را از دست داد. بازداشت و اعدام خسرو روزبه که در رأس شاخه اطلاعات سازمان نظامی حزب بود،

به فعالیت‌های سازمان‌یافته این گروه خاتمه داد. از این زمان به بعد تقریباً حکومت می‌توانست اطمینان داشته باشد که تهدیدی از جانب حزب توده وجود ندارد.

اصلاحات شاه که جامعه ایران را از یک جامعه کشاورزی به یک جامعه پیش‌صنعتی و پیش‌سرمایه‌داری مبدل می‌کرد تا آماده ادغام در نظام اقتصاد جهانی شود، یک فرصت جدید را برای نیروهای کمونیست فراهم آورد. در سطح عمومی دوره ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲، دوره مبارزه میان شاه و مخالفان (جبهه ملی، مذهب‌یون و برخی نیروهای مارکسیست) بود. در آغاز دهه چهل و تحت تاثیر تحولات داخلی و بین‌المللی جنبش کمونیستی در ایران نیز دچار تغییر نسل شد و در پایان این دهه بخش عمده‌ای از مارکسیست‌ها با برنامه تازه‌ای به میدان سیاست بازگشتند. دهه چهل را باید عصر مبارزات سازمان‌نیافته مارکسیستی در ایران دانست اما تا سال ۱۳۴۹ مرحله گذار و احیای جنبش کمونیستی کامل شد و جدایی نسل‌ها و بینش‌ها میان مارکسیست‌های ایرانی شکل قطعی گرفت. در حالی که کل جنبش همچنان به مبارزه با رژیم ادامه می‌داد اما نسلی که مبارزه مسلحانه را آغاز کرد، به راستی نظام را تکان داد و نسل پیش از خود را نیز شگفت‌زده کرد. از این تاریخ تا پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ تنها معیار انقلابی برای سازمان‌ها این بود که نسبت به مبارزه مسلحانه چه واکنشی نشان دهند.

### تهاجم و بن‌بست

به نظر می‌رسد اصلاحات شاه در دهه ۴۰ هیچ رقیبی را برای او باقی نگذارد. فعالیت‌های مربوط به مدرنیزاسیون آغاز شده بود. آمریکا از شاه هواداری می‌کرد، قیمت جهانی نفت افزایش پیدا کرده بود و حالا شاه می‌توانست خود را به مدرن‌ترین سلاح‌ها مجهز کند. رژیم با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله می‌کوشید در داخل و خارج این ورود به جهان جدید را با صدای بلند فریاد کند. حتی مناسبات با اردوگاه سوسیالیستی نیز رو به بهبود گذاشته بود و اتحاد شوروی و متحدانش قرار بود در فرآیند صنعتی